

ریاست دانشگاه بلخ  
دانشکده زبان و ادبیات  
شعبه زبان و ادبیات دری

## گروه زبانهای پامیری

(رساله تحقیقاتی پیرامون زبانهای پامیری: کنفرانس علمی در دانشگاه بلخ)

نویسنده: عوض خان «پیمان»

استاد رهنما: پوهنمل صالح محمد «دور اندیش»

مزار شریف، قوس ۱۳۷۴

ویراستار: نوروز علی ثابتی

سنبله ۱۳۹۱، فیض آباد، بدخشان

## سخن ویراستار<sup>۱</sup>

زبان های پامیری از جمله زبان های هندو – ایرانی متعلق به شاخه جنوبشرقی، زبان های ایرانی شرقی می باشند. در حال حاضر (۷) زبان زنده شامل کتگوری زبان های پامیری می گردند که عبارتند از:

زبان شغنایی، زبان اشکاشمی - سنگلیچی، زبان واخی، زبان یزغلامی، زبان منجانی، زبان سریقولی، و زبان بیدغه می باشند.<sup>۲</sup> این زبان ها را بنام «زبان های گلچه ای» به معنای روستایی و یا کوهی هم یاد می کنند.<sup>۳</sup> زبان شغنایی در دو کرانه رود پنج در ولسوالی شغنای افغانستان و ناحیه های روشن، شغان، برتنگ، غند، شاخ دره و شهر خاروغ در جمهوری تاجیکستان تکلم می گردد. زبان اشکاشمی در دو کرانه رود پنج در ولسوالی اشکاشم بدخشان افغانستان و ناحیه اشکاشم تاجیکستان تکلم می گردد. زبان یزغلامی در ناحیه یزغلام تاجیکستان تکلم می گردد. زبان منجانی در دره منجان ولسوالی کران و منجان ولایت بدخشان افغانستان تکلم می گردد، زبان واخی در دو کرانه رود پنج در ولسوالی واخان، ناحیه واخان تاجیکستان، در سرحدات شمالی پاکستان در هونزا و در سرحدات چین با افغانستان تکلم می گردد. زبان سریقولی همان زبان شغنایی است که بعد از رسیدن به ناحیه سریقول به این نام مسمی گردیده است و در ناحیه سریقول و تاشقرغان ولایت سینکیانگ چین تکلم می گردد.<sup>۴</sup>

---

<sup>۱</sup> هر نوشته باید از جهات گوناگون محتوا، بیان، صحت و اعتبار، دقت، نظم، آراستگی، علایم نگارشی و ... مورد بررسی و بازبینی قرار گیرد. به این عمل، «ویرایش» یا «ویراستاری» می گویند. ویراستار موظف است که ضمن رعایت سبک صاحب نوشته یا مترجم، خطاهای دستوری، حشو، تکرار، گزافه گویی و عبارتهای بی شیرازه و پریشان را سامان دهد.

صادق کیا که استاد دانشگاه تهران و رئیس فرهنگستان زبان ایران بوده است، واژه «ویراستن» را از فارسی میانه به فارسی نو آورده است و بر پایه قواعد این زبان از این واژه، صفت مفعولی «ویراسته»، صفت فاعلی «ویراستار» و اسم مصدر «ویرایش» را ساخته است (ویکی پدیا، دانشنامه آزاد آنلاین).

۲. لوئیس، م. پاول، اتنولاگ M. Paul, Lewis, Ethnologue

۳. کهزاد، احمد علی، تاریخ زبان و ادبیات، ریاست دار التالیف، وزارت معارف، کابل، ۱۳۲۹ – ۱۳۳۰ ص. ۹.

جغرافیه صنف ۱۲، کابل، ۱۳۹۰، ص. ۴۹. مولفین: نجیب الله امین افغان، محمد رفیق مهمند، محمد رازق بهیر

۴. کهزاد، احمد علی، همان، ص. ۹.

۵. به نقل شفاهی از بزرگسالان شغنای، اهالی سریقول اصلاً باشندگان محلی بنام «لهپنک» (Laxk) در شغان بوده اند که در سطح مرتفع بین کوه های قریه های ده شهر و شدوج قرار دارد. باشندگان «لهپنک» بعد از کشتن افراد شاه شغنای (دقیقاً معلوم نیست که در کدام سال و یا دوره) شب هنگام کوچ کرده و از راه خاروغ و شاخ دره سفر نموده و خود را به سریقول می رسانند و در آنجا سکنه گزین می شوند. به نقل از خانم پاملا س. آرلوند (ترز دوکتورا)، زبان سریقولی نسبت به زبان شغنایی، به زبان روشانی نزدیکتر است. ویراستار (ثابتی)

زبان سنگلیچی در منطقه سنگلیچ ولسوالی زیبای افغانستان تکلم می‌گردد و زبان بیدغه در شمال پاکستان نزدیک منطقه چترال تکلم می‌گردد.

بر علاوه این، بعضی نویسندگان زبان‌های دیگر جزء خانواده زبان‌های پامیری شمار نموده‌اند. مانند زبان ونجی، زبان سرغیلانی، و زبان وردوجی.<sup>۶</sup> اما، فعلاً در افغانستان گویشوران زبان‌های سرغیلانی و وردوجی وجود ندارند و این زبان‌ها منقرض گردیده‌اند. زبان سرغیلانی که در دره سرغیلان ولسوالی شهدا ولایت بدخشان تکلم شده، طی ۵۰ الی ۱۰۰ سال اخیر منقرض گردیده است و گویندگان این زبان فعلاً به زبان دری تکلم می‌کنند. بررسی‌های دانشمندان نشان می‌دهد که دره وردوج (ولسوالی وردوج) زبانی بنام وردوجی موجود بوده ولی شاید بسیار سال‌های پیش منقرض گردیده است. فعلاً باشندگان دره سرغیلان و دره وردوج به زبان دری تکلم می‌کنند، ولی گویش و لهجه خاص خود را دارند. زمانی که شخصی از ولسوالی‌های (یمگان، جرم، وردوج، شهدا) در مرکز شهر ولسوالی بهارک بیایند، بعد از اینکه شروع به سخن گفتن نماید، شنوندگان فوراً حدس می‌زنند که آن شخص باشند کجا است. با همان لهجه و گویش خاص دفعتاً شناخته می‌شود که یمگی، جرمی، وردوجی، و یا سرغیلانی است.

زبان ونجی هم به یکی از گویش‌های زبان تاجیکی تبدیل شده است. اما، واژه‌هایی وجود دارند که بعضی از آنها اصالت خود را هنوز در این مناطق حفظ نموده‌اند. مثلاً سرغیلانی‌ها، هنوز «پدر کلان، بابا» را «فا» و «مادر کلان» را «فی»، و «ماما» را «تغه، تغایی» می‌گویند. و چندین واژه دیگر.

دانشمندان روس در عرصه پامیری‌شناسی و معرفی زبان‌های پامیری پیشتاز بوده‌اند که از آن میان ا. ا. زاروبین، ت. ن. پاخالینه، ف. س. ساکال او، گ. ماگنستیرن و دیگران را نام برد.<sup>۷</sup>

اثری که استاد عوض خان «پیمان» در مورد گروه زبان‌های پامیری نوشته کرده، منابع و مأخذ آن از کتاب «زبان‌های پامیری» اثر خانم ت. ن. پاخالینه است که در سال ۱۹۶۹ میلادی (۱۳۴۸ هجری خورشیدی) آنرا در مسکو به زیور چاپ آراسته و این اثر در سال ۱۹۸۷ میلادی (۱۳۶۶ هجری خورشیدی) در افغانستان توسط استاد ماه گل سلیمان دوست به دری برگردان و از طرف مرکز زبانها و ادبیات انستیتوت ملیت‌های برادر اکادمی علوم افغانستان به نشر رسید.

چاپ و نشر اثر پاخالینه در افغانستان، سبب جلب توجه قشر تحصیل کرده افغانستان (خصوصاً دانشجویان خطه پامیر زمین) گردید، و بعضی از دانشجویان در دانشگاه‌های مختلف کشور، پایان‌نامه‌های تحصیلی (مونوگراف‌های) خود را در مورد پژوهش و مطالعه زبان‌های پامیری اختصاص داده‌اند.

از میان این دانشجویان، یکی عوض خان پیمان است که در دوره تحصیل در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه بلخ مقاله تحقیقاتی اش را پیرامون زبان‌های پامیری در کنفرانس علمی ارائه داشته است.

۶. پیکار، نصرالدین شاه، رساله دوکتورا، ۲۰۰۹، ص. ۴۹.

۷. پاملا، آرلوند، تزس دوکتورا، ۲۰۰۶، ص. ۷. و پیکار، نصرالدین شاه، رساله دوکتورا، ۲۰۰۹.

اگرچه از نقطه نظر محتوا تماس سطحی روی زبان های پامیری گرفته، ولی در ذات خود راهگشای تحقیق و پژوهش برای دانشجویان و نویسندگان دیگر است.

نقطه عطفی که در این رساله ملاحظه گردید باز گشای معمای الفبای زبان شغنانی است. آقای پیمان بعضی از واژه های زبان شغنانی را در رساله اش برای مثال آورده، و تذکر داده است که نویسندگان و شاعران شغنانی این حروف (نویسه ها) را چنین وضع نموده اند. ولی، وی نام کدام شاعر و نویسنده را در رساله اش ذکر نمی کند. اما احتمالاتی وجود دارد که عوض خان این نویسه ها را از لابلای نوشته های مذهب شاه ظهوری اقتباس نموده است. این همان نویسه هایی هستند، که فعلاً در میان قشر تحصیل کرده و روشنفکر شغنانی ها مورد بحث و فحص قرار دارند.

آقای پیمان، چهار نویسه را که مربوط زبان شغنانی است چنین معرفی کرده است:

ب، د، ف، و

مثلاً در واژه های « غور = گوش»، و هذ (آنها)، قهر (بیار، وجه امری فعل آوردن « فیداو»)، مؤثق (شیرین بویه، یکنوع گیاه) (در اینجا، چون نویسه « ب یا د » در میان سمبول نوشتاری کمپیوتر من موجود نبودند، بناچار، بجای اینها از نویسه « ت » کار گرفتم.

استاد عوض خان پیمان در سیستم نوشتاری خود، برای آوا های کشیده زبان شغنانی از ترکیب واکه های کوتاه و نویسه (ه) که این آوا در زبان شغنانی وجود ندارد، کار گرفته است. مانند:

خرهنگ (چطور)، سندهل (چیلی)، و هذ (آنها)، قهر (بیار)، بهر تهنگ (برتنگ، یک قریه در روشان تاجیکستان).

و هم چنان از نویسه « و » در دو مورد کار گرفته است. مانند: خوفی (لهجه خوفی در روشان تاجیکستان) و « غور = گوش »

مطمناً، عوض خان پیمان، رساله اش را با استاد پوهنمل صالح محمد دور اندیش، که استاد رهنا در قسمت ترتیب و تنظیم رساله دست داشته اش بوده و موضوعات آوایی زبان شغنانی را با وی در میان گذاشته است و قناعت او را فراهم نموده است. در غیر آن، استاد صالح محمد می توانست املاهای واژگانی زبان شغنانی را که عوض خان در رساله اش آورده، تعویض کند.

بهر حال، من این رساله را که توسط استاد عوض خان پیمان در سال ۱۳۷۴ نوشته شده، برای دیگران معرفی می نمایم که دیگران در قبال زبان شغنانی چه کار های سودمندی را انجام داده اند.

نوت: در متن نوشته استاد عوض خان پیمان بعضی تغییرات وارد نمودم و آنها را در داخل علامه قوس کلان (Brackets) و یا کروشه [...] نوشتم. علامه های کابردی دیگر مانند قوس کوچک و یا گیومه (Quotation Mark) و یا قوس متوسط و یا پرانتز (Parentheses) را خود نویسنده بکار برده است.

زمانی که خواننده متن داخل کروشه را مرور کند، این متن تصحیحی مربوط به ویراستار (ثابتی) است. همچنان، بعضی از نظریات را در پاورقی نوشتیم و در آخر آن تذکر دادم که (ویراستار).

ولی تا حدی کوشیدیم که اصالت متن اصلی را حفظ نمایم ولی بحیث یک ویراستار (Editor)، بعضی از املاهای واژه‌ها، و یا جملات را تصحیح و توشیح نمایم

با عرض حرمت

نوروز علی ثابتی

سنبله ۱۳۹۱، فیض آباد – بدخشان

لیسانسیه زبان و ادبیات دانشگاه تعلیم و تربیه کابل ۱۳۸۴/۲۰۰۴

در حال حاضر دانشجوی آنلاین دوره ماستری در رشته «مدیریت پروژه» در دانشگاه لیورپول، انگلستان

## گروه زبان های پامیری

زبان های پامیری به زبانهای ساحات پامیر بدخشان افغانستان و پامیر مربوط ولایت خود مختار سواحل دریای پنج (آمو) اطلاق می گردد. این زبانها به دسته آریانی هندو – اروپایی مربوط بوده و عبارتند از: زبان شغنی و لهجه روشانی، واخی، اشکاشمی، سریقولی، منجی، ونجی، یزغلامی [یزگلامی]، سنگلیچی، و غیره.

چون در افغانستان درباره زبانهای پامیری هنوز تحقیقات و پژوهش صورت نگرفته و صرف در سال (۱۳۷۰) زبانشناس تاجیکستانی و استاد دانشگاه [دولتی] خاروغ، داد خدا کرم شایف و خیر محمد معاون سر محقق در بخش زبانشناسی اکادمی علوم افغانستان تعدادی از حروف مورد استعمال این زبانها را با در نظر داشت چگونگی آهنگ و تلفظ در کلمات و جملات وضع نموده و عنقریب به دست نشر سپرده میشود اما متأسفانه در اثر انقلابات و تحولات اخیر باز هم به باد فنا سپرده شد. مگر یک عده زبانشناسان خارجی راجع به زبانهای پامیری در نواحی پامیر تحقیقات مفید انجام داده و آثار گرانبهایی به علاقمندان پیشکش کرده اند.

مثلاً عبد الرحیم دانشمند سده نوزده هم هندوستان، فرهنگ زبان واخی را تدوین کرده است.<sup>۸</sup>

بیدلوف هم به نوبه خود اثری تحت عنوان «قبایل هندو کش» به نشر رسانیده است. همچنان تحقیقات کایگر آلمانی در باره زبانهای پامیری قابل یاد آوری است. همچنان، زبانشناس معروف و مشهور ناروی، مارگینسترن و ده ها دانشمند و زبانشناس دیگر آثار غنی در باره مضافات پامیر از خود باقی گذاشتند. بر اساس عقیده گ. گریسون و گ. مارگینسترن، به تعداد بیشتر از (۳۰) واژه یک زبان دیگر پامیری بنام «ونجی» در میان لهجه های مختلف زبان های پامیری دیده شده است.

زبانهای پامیری از جمله زبانهای اقوام و قبایل کوچک به شمار میروند که از آنجمله گویندگان زبان شغنی – روشانی و زبان واخی بیشتر اند. متکلمین لهجه های شغنی – روشانی بگونه تخمینی به پنجاه هزار الی شصت هزار نفر، واخی به پانزده الی بیست هزار نفر میروند و تقریباً بیشتر از شش هزار نفر به سایر زبانهای پامیری سخن می رانند.

زبانهای پامیری رسم الخط مشخص ندارند. در سال ۱۹۳۰ میلادی [مصادف به ۱۳۰۸ هجری خورشیدی]، کوشش برای ایجاد رسم الخط زبان شغنی در تاجیکستان صورت گرفت مگر به نتیجه نرسید. همچنین اکنون مردم پامیر<sup>۹</sup> در ساحه امور مطبوعات و مکاتب از این زبانها استفاده بعمل نمی آورند. اما مردمان پامیر اتحاد شوروی به زبان تاجیکی [روسی] و سریقولی های جمهورییت توده ای چین از زبان اویغوری استفاده می کنند.

<sup>۸</sup> پاخالینه، مترجم، ماه گل سلیمان دوست، گروه زبانهای پامیری، ۱۳۶۴، ص. الف.

<sup>۹</sup> در اینجا، پامیر هدف ما در افغانستان، شغنان، روشان، اشکاشم، واخان، سنگلیچ، زیباک، و منجان است و در آنطرف دریای آمو (تاجیکستان)، شغنان، روشان، یزغلام، خوف، بچو، وارچین، اویغور، و سریقول چین می باشد.

زبان های پامیری بین خود آنقدر متفاوت اند که گویندگان آنها سخن یکدیگر را فهمیده نمی توانند. به استثنای زبان شغنایی و روشانی که متکلمین این زبانها، هشتاد فیصد زبان یکدیگر را درک کرده بین آنها افهام و تفهیم به آسانی صورت می گیرد.

پامیری های شوروی [تاجیکستان]، در مجموع برای تفاهم همگانی از زبان تاجیکی، در افغانستان از زبان دری، و در جمهوریت مردم چین از زبان اویغوری استفاده بعمل می آورند. این زبانها ویژگی های عمومی ای که دارند، در یک ردیف به زبانهای های آریایی شرقی و عمدتاً آریایی قرار دارند.

### گروه زبان های شغنی – روشانی:

گروه زبان های شغنی – روشانی، زبان شغنی بشمول لهجه «بجوی»، و روشانی بشمول لهجه «خوفی»، بر تنگی (بهر تهنگ)، اروشوری و سریقولی را در بر می گیرد. این زبان ها به استثنای زبان سریقولی، در ولایت خود مختار بدخشان کوهی تاجیکستان، سواحل دریای پنج، گونتا [گونت = غُند]، شاه دره [شاخ دره] و بار تنگ، روشانی در روشن مروج است. و در بدخشان افغانستان، در شغان، شیوه، خنج، دولت شاهی، روشن و تنشیو [تنگی شیوه] بدین زبان تکلم صورت می گیرد.<sup>۱۰</sup>

زبان سریقولی در نواحی جمهوری [ولایت] خود مختار سیزیان [سینکیانگ] و اویغور چین هم معمول است.

نزدیکی این زبان ها (گروه شغنی – روشانی) و لهجه ها با هم به اندازه ای است که گویندگان آنها سخن یکدیگر را خوب می فهمند.

تحقیق و مطالعه علمی در باره زبان های گروه شغنی – روشانی نخستین بار توسط اکادمیسن ک. گ. زالیمان در اواخر سده نوزدهم میلادی صورت گرفت. در سال ۱۸۹۵ میلادی [برابر با ۱۲۷۴ هجری خورشیدی] اثر او تحت نام «زبان شغنی» چاپ گردید. د. ل. ایوانف که نتایج تحلیل و مطالعه مواد جمع آوری شده توسط ایوانف سیاح را در بر گرفت، تنظیم و آنرا چاپ نمود.

در سال ۱۹۰۸ میلادی [برابر با ۱۲۸۷ خورشیدی] و. ب. نومانویچ با نوشتن گرامر تطبیقی و محاوره ای زبان شغنی تحقیقات در زمینه، این زبان را غنا بخشید. مطالعات و تحقیقات سیستماتیک گروه زبان های شغنی – روشانی مانند دیگر زبان های پامیری توسط ا. ا. زاروبین صورت پذیرفت. وی از سال ۱۹۱۴ میلادی [۱۲۹۳ هجری خورشیدی] به بعد، چندین مرتبه به پامیر سفر نمود و موادیکه جمع آوری کرد از نگاه درست بودن خود نهایت قابل اعتبار است. زاروبین از جمله اولین آریانا شناسانی است که دقت و توجه فراوانی به مطالعه صوتی این زبانها با در نظر داشت روش صوت شناسی [آوا شناسی] داشت.

<sup>۱۰</sup> شیوه، خنج، دولت شاهی، روشن، تنگی شیوه از جمله علاقه های دور از مرکز ولسوالی شغان بدخشان افغانستان می باشند به مسافه ۳ – ۴ روز پیاده روی از مرکز ولسوالی از مرکز ولسوالی دور افتاده اند.

در بین سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۴۲ میلادی [مصادف با سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۲۱ هجری خورشیدی] دو مقاله راجع به تاریخچه زبان شغنی توسط مارگینسترن به نشر رسید. در سال ۱۹۶۷ میلادی [۱۳۴۶ هجری خورشیدی] اثر دیگری از ساکال اوه تحت عنوان « رابطه اتنیکی زبان یزغلامی با زبانهای گروه شغنایی » انتشار یافت.

در سال ۱۹۶۴ میلادی [۱۳۴۳ هجری خورشیدی]، ر. خ. داد خدایف، در چهارمین کنفرانس سرتاسری زبان ها آریایی در تاشکند، مقاله ای تحت عنوان « انعکاس بعضی از واول های [واکه های] زبان کهن آریایی در شغنی (ترز = Thesis)»، پیشکش نمود.<sup>۱۱</sup>

در بین سالهای ۱۹۲۸ و ۱۹۴۲ میلادی [۱۳۰۷ و ۱۳۲۱ هجری خورشیدی]، دو مقاله راجع به تاریخچه زبان شغنی توسط مارگینسترن به نشر رسید. مگر مطالعه و تحقیق گروه زبان های شغنی – روشانی (بخصوص ساختمان آوایی آنها) بگونه اساسی توسط ساکال اوه آغاز شده است. وی برای نخستین بار در تحقیقات آوایی این زبان ها، از روش تجربی آواشناسی (Experimental Phonetics) استفاده نمود. در این اواخر، کرمشایف کار تهیه « فرهنگ زبان شغنایی»، فیضوف، « فرهنگ روشانی»، و کرم خدایف « فرهنگ بارتنگی» را روی دست گرفته اند.<sup>۱۲</sup>

## مناسبت زبان های شغنی – روشانی با زبان های دیگر

### الف: همگونی های زبان شغنی و پشتو:

از مطالعات دقیق میان این دو زبان (پشتو و شغنایی)، چنین استنباط می گردد که هم از نگاه حروف الفبایی و هم از نگاه کلمات و نیز از نگاه تلفظ اعداد حسابی [شمارشی]، یکرنگی های فراوانی در این زبانها موجود بوده و از نگاه معنای خود نیز در بعضی کلمات عین چیز را افاده می کنند.

مثلاً: حروف «خ، ح، ژ، ر، ب، پ»<sup>۱۳</sup> در زبان پشتو (که یکی از السنه کهن، نژاد آریا می باشد) در زبان شغنی نیز این چنین حروف<sup>۱۴</sup> مورد استعمال زیاد دارند. مانند:

<sup>۱۱</sup> . پاخالینه، گروه زبانهای پامیری، مترجم، ماه گل سلیمان دوست، ۱۳۶۴، صص. ۴ – ۶.

<sup>۱۲</sup> به نظر من، اگر مولف بجای فرهنگ از واژه « قاموس » استفاده می کرد، خوبتر می بود. مثلاً « قاموس زبان شغنایی». و اگر کلمه فرهنگ را بکار برده، باید، آنرا با عبارت « فرهنگ واژگانی زبان شغنایی » می نوشت، خوبتر میبود – ویراستار (ثابتی).

<sup>۱۳</sup> آوای « ر » در زبان شغنایی وجود ندارد. این همان آوای « ر » برگشتی و یا (Retroflex) می باشد و نویسنده بطور اشتباهی این نویسه در اینجا درج نموده است.  
<sup>۱۴</sup> در اینجا، بجای واژه « حروف » ما از واژه « آوا » و یا « اصوات » کار می گیریم.



پشتو	شغنی	دری
غور	غور	گوش
خرنگه	خرهنگ	چطور
وزه	قز	بز
غوبن	گوبنت	گوشت

همگونی های عددی (شمارشی)، چون:

پشتو	شغنی	دری
یوه	بیو	یک
دری	اری	سه
خلور	خفار	چهار
پنخه	پینخ	پنج

و یا از حرف (آوای) « بن » در پشتو « وابنه » به معنای « علف » در شغنی « واین » به عین معنی.

و یا از حرف (آوای) « ژ » در پشتو « ژاله » (یکنوع باریدن برف)، در شغنی « ژنیج » به معنای « برف » ( در پارسی ژاله را « تگرگ می گویند. در لهجه دری بدخشانی « جاله ». (ویراستار)

### ب: همگونی های زبان شغنی و روسی:

روسی	شغنی	دری
سیندهل sandal می گویند)	سیندهل	پایپوش ( چپلی، در زبان انگلیسی هم
نویرس	نوبنخ	عروس
دقییر	دقیه (دقے)	در، دروازه
کرتاشکه	کرتاشکه	کچالو

نیکر، زیر تنبانی

تروسک

تروسک

پنسل<sup>۱۵</sup>

کرندش

کرندش

و یا در زبان شغنائی، نویسندگان و شاعران،<sup>۱۶</sup> با این زبان حروفی مانند «ڈ»، «ت»، و «ف» را برای نوشتن متون زبان شغنائی قرار داده کرده اند [وضع نموده اند - ویراستار]. که این زبان با در نظر داشت این حروف و صورت استعمال آوایی شان با زبان انگلیسی نیز در تشابه قرار می گیرد.

مانند: از حرف وضع شده «ڈ» در زبان انگلیسی (That) به معنای (آن)، یا از حرف وضع شده «ف» «، در واژه «قهر» (قهرے) (Vare) به معنای «بیار، وجه امر فعل آوردن که در شغنی ریشه آن» قیداو «است» که مشابه این واژه در زبان انگلیسی Vary است که معنای تغییر دادن، و عوض کردن را افاده می کند.

و از حرف «ت» در زبان شغنی «مُوثق» به معنای «شیرین بویه، یکنوع گیاه» و در انگلیسی (smooth) به معنی «صاف» و یا «نرم»، یا (teeth) به معنای «دندان ها» و یا (mouth) به معنای «دهن» که در شغنائی در برابر این آوا «ماث» (به معنای عصا، چوبدست، و یا تیاق به لهجه دری بدخشانی) است.<sup>۱۷</sup> از این قبیل کلمات زیاد وجود دارند که هم از نگاه ساخت و ازگانی و هم از نگاه ساخت معنایی یکسان می باشند. ولی، اکثراً، کلمات از نگاه ساخت و ازگانی مشابه بوده ولی از نگاه معنی با هم متفاوت می باشند.<sup>۱۸</sup>

## زبان واخی:

به زبان واخی، ساکنین سرحدات تاجیکستان و افغانستان در کنار سواحل دریای پنج (در ولسوالی واخان) و در سرحدات شمالی پاکستان و هند تکلم می کنند. یک قسمتی از مردمان واخی زبان در سیزیان

---

<sup>۱۵</sup> پنسل هم واژه انگلیسی است. معادل این واژه در پارسی «مِداد» است. خاروگی ها پنسل را «قلم» و قلم خود کار را «روچکه» می گویند. در شغنان افغانستان واژه «کرندش»، معمول نیست و هم در دری و هم شغنی «پنسل» گفته می شود.

<sup>۱۶</sup> اما، نویسنده از کدام نویسنده و شاعری در اینجا نام نمی برد. به احتمال زیاد شاید مذهب شاه ظهوری و دیگر نویسندگان و شاعران همان دوره باشد - ویراستار (ثابتی).

<sup>۱۷</sup> در انگلیسی عین واژه «ماث» وجود دارد مانند: (moth) به معنای «پروانه» است. - ویراستار (ثابتی).

<sup>۱۸</sup> مثلاً واژه شغنائی «لُک» به معنای «قفل» و یا «بستن و بسته کردن» است که در زبان انگلیسی واژه (lock) عین معنی را افاده می کند. ولی هستند واژه هایی که از نقطه نظر تلفظ شبیه هم بوده، ولی دارای معانی مختلف باشند مانند واژه شغنائی (ماث = عصا) و واژه انگلیسی (moth) «پروانه». - ویراستار (ثابتی).

[سینکیانگ] در سرحد بین چین، هند، و تاجیکستان زندگی می نمایند. تعداد نفوس واخی ها که در ناحیه اشکاشم [واخان] تاجیکستان زیست دارند، به شش الی هفت هزار نفر میرسد.<sup>۱۹</sup>

واخی های خارج از تاجیکستان، از نظر کثرت نفوس نهایت اندک اند. زبان واخی اگر چه رسم الخط ندارد، اما دارای اهمیت زیاد است. واخی ها بین خود شان به زبان واخی تکلم می کنند. اما زبان کاری، رسمی و اداری آنها زبان تاجیکی [تاجیکی در تاجیکستان، دری در افغانستان، و اردو در پاکستان] می باشد که اکثراً بقدر کافی به آن [آنها] دسترسی دارند.

زبان واخی [محل زیست واخی ها] در افغانستان که بنام واخان یاد می گردد، به دو قسمت تقسیم شده که یکی را بنام «پامیر کلان» و دیگری را بنام «پامیر خورد» یاد می کنند.<sup>۲۰</sup> زبان واخی در افغانستان دارای شش الی هفت هزار متکلمین بوده و تعداد زیادی از زنان و کودکانی که در خارج از آن ولسوالی سفر نکرده باشند، با زبان دری آشنایی ندارند.

نخستین معلومات در مورد زبان واخی مربوط قرن گذشته [قرن نوزده] بوده و آن وقتی بود که بیرنس یک تعداد واژه های واخی را نشر کرد. بعداً فرهنگ زبان واخی ابتدا توسط عبد الرحیم، و به ترتیب توسط ایوارد، و بیلویو، و بیدولف مکمل تر شد. معلومات تقریباً مکمل تر راجع به زبان واخی توسط ر. شاو ترتیب و طبع شد.<sup>۲۱</sup>

در سال ۱۹۶۰ میلادی [۱۳۳۹ هجری خورشیدی]، فرهنگ زبان های پامیری بشمول زبان واخی بگونه بهتر توسط محقق افغانی، شاه عبد الله بدخشی تدقیق و ترتیب شده است. موصوف برخی از واژه های زبان واخی و دیگر زبان های آریانی مروج در افغانستان از قبیل پشتو، دری، منجی، اشکاشمی، و سنگلیچی را بصورت مقیاسی تحلیل کرده است. با در نظر داشت توضیحات فوق، در مورد زبان واخی و تحلیل فاکت های [واقعیت های] زبانی این زبان و مناسبت انتیکی [قومی]، محیطی، و جغرافیای زبانی آن میتوان لهجه های ذیل را در زبان واخی دریافت، چون لهجه های غربی، شرقی، مرکزی که هر کدام دارای خصوصیات نسبی متفاوت آوایی می باشند. ولی لهجه های شرقی و مرکزی هر کدام با یکدیگر بیشتر در تشابه بوده و خصوصیت زبان واخی را حفظ نموده اند.

<sup>۱۹</sup> پاخالینه، زبان اشکاشمی، ص. ۵، نصرالدین «پیکار»، مقاله تحت عنوان «گروه زبانهای واخی و اشکاشمی»، سال ۱۳۷۰، ص. ۴.

<sup>۲۰</sup> ولسوالی واخان از قریه «پتور» که نزدیک ولسوالی اشکاشم قرار دارد شروع شده و تا سرحد بروغیل بشکل باریکه تا سرحد کشور چین امتداد دارد. ولسوالی واخان با کشور های پاکستان، چین و تاجیکستان هم مرز بوده و باشندگان هم مرز این ولسوالی در هر سه کشور به زبان واخی تکلم می کنند. - ویراستار (ثابتی).

<sup>۲۱</sup> پاخالینه، گروه زبان های پامیری، مترجم ماه گل سلیمان دوست، ۱۳۶۴، صص. ۸۲ - ۸۳.

در زبان واخی نیز حروف [آوا های] « ڈ»، « ف»، و « ت» قابلیت استعمال دارند. مانند کلماتی چون: « ڈیت» به معنای (دود)، حرف (آوای) « ف» مانند « فَرَاک» به معنای (پس فردا)، و «تَدک» به معنای (سوخت).<sup>۲۲</sup>

همچنان، مناسبت این زبان با زبان پشتو در حروف (آوا های) «بش» و «ر». چون این در جملات زیر به نظر می خورد:

ای کهنس، یوپک مه رَهند (ترجمه: ای بچه، آب برایم بده) ویا: ای کهنس چای پُقی؟ (ای بچه، چای میخوری؟)

## زبان اشکاشمی:

زبان اشکاشمی، زبان ساکنین قسمت شمالی ولایت بدخشان افغانستان است که نفوس آنها در حدود دوهزار الی سه هزار نفر می رسد.<sup>۲۳</sup> و در تاجیکستان تنها در ناحیه اشکاشم در شهرکی بنام (رین = Rin) وجود دارد که زبان آن اشکاشمی است و بعضی از خانواده های اشکاشمی بصورت پراکنده در برخی از روستاهای تاجیکستان زندگی دارند.<sup>۲۴</sup>

زبان نوشتاری اشکاشمی ها، مانند دیگر پامیری ها، تاجیکی و دری است. در ولسوالی اشکاشم افغانستان، این زبان آهسته آهسته تحت تأثیر زبان دری قرار گرفته، تنها کهن سالان می توانند بدین زبان تکلم نمایند. اما نسل نوری با تأثیر پذیری از زبان دری، با این زبان آشنایی و بلدیت کمتر دارند.

در سال ۱۹۵۹ میلادی [۱۳۳۸ هجری خورشیدی] اثر ت. ن. پاخالینه تحت عنوان «زبان اشکاشمی» نشر شد که برای نوشتن آثار، دیگران از آن استفاده بعمل آوردند. در این اثر، بویژه از خصوصیات کانسوننت های (همخوان های) زبان اشکاشمی یاد آوری گردیده و دستور زبان متون اشکاشمی و سیستم

<sup>۲۲</sup> در بین واژه های شغنی و واخی قرابت وجود دارد. مثلاً واژه « ڈیت = δi:t» در واخی و « دُد = δud» در شغنی هر دو به معنای « دود» هستند. و یا واژه های « تَدک = θudk» و واخی و واژه « تَدج = θudj» شغنی هر دو به معنای (سوخته است) دارای تشابه هستند. واژه « فَرُوت» و واخی و واژه « فَراد» شغنی هر دو به معنای (برادر) هستند. واژه واخی « دَس» و واژه شغنی « دَیس» هر دو به معنای (ده، شماره ده) هستند. واژه واخی « فَرُوو»، واژه سریقولی « فِرهُو»، و واژه شغنی « فَرُور»، هر سه به معنای (ابرو) هستند. در این واژه دیده میشود که زبان سریقولی و زبان واخی با هم مشابهت دارند که تنها تفاوت میان آنها در واکه وسطی است. اما بعضی واژه ها از نگاه ساختار آوایی مشابه بوده، ولی دارای معنای متفاوت هستند. مثلاً: واژه واخی « ڈیر» به معنای (دوغ) و واژه « ڈهر» شغنی به معنای (دله، دله خفک) است. - ویراستار (ثابتی).

<sup>۲۳</sup> عبد القیوم «پروا» در سال ۲۰۰۹ در مورد زبان اشکاشمی پژوهشی انجام داده، و نوشته است که تعداد گویندگان زبان اشکاشمی در ولسوالی اشکاشم ولایت بدخشان، افغانستان به ۵۰۰ نفر تقلیل یافته اند، و این زبان در افغانستان در شرف انقراض می باشد. - ویراستار (ثابتی)

<sup>۲۴</sup> این زبان را (اشکاشمی را) در تاجیکستان، بنام زبان رینی هم میگویند. - ویراستار (ثابتی)

واژه ها تشریحات مفصل ارائه گردیده است. در سال ۱۹۶۰ میلادی (۱۳۳۹ هجری خورشیدی)، لغت نامه زبان اشکاشمی و زبان سنگلیچی توسط محقق افغانی، شاه عبد الله بدخشی، اقبال چاپ یافته است. در ولسوالی اشکاشم علاوه از زبان دری و اشکاشمی، زبان دیگری نیز در بعضی از قصبات این ولسوالی مورد استعمال می باشد که بنام زبان «زرگری» یاد میشود. این زبان [لهجه] در نواحی قریه جاتی مانند، زرگران، داروند، کنکات بیشتر مروج است. در اینجا، چند واژه ای طور مثال از این زبان می آوریم، مانند:

بزلههٔک (bezlaavuk) به معنای (خواندن)؛ آزوک (avzu:k) به معنای (قلب، دل)؛ رمُوزد (remu:zd) به معنای (آفتاب).

و جمله ای مانند: فِروک فیک دادے؟ (veruk vi:k dode?) یعنی، برای اسپ آب دادی؟ اسپ را آب دادی؟

## زبان سریقولی:

زبان سریقولی، یکی از شاخه های زبانهای پامیری می باشد که به نوبه خود شامل زبانهای ایرانی می گردد و مربوط به خانواده زبانهای هندو – اروپایی می باشد.<sup>۲۵</sup> این زبان در میان زبانهای پامیری به گروه زبانهای شغنی – روشانی نزدیکی بیشتر داشته و به علت موقعیت جغرافیایی در طول سده ها، طرز زندگی و شرایط اجتماعی با ویژگی های متعددی از هم تفکیک می شود. در دهه ۱۹۶۰، بسیار چک، چند رساله را در باره زبان سریقولی نوشته و شامل صوت شناسی (آوا شناسی)، دستور زبان، و متن با ترجمه آن می باشد.

## یاد داشت ویراستار:

برگه های آخری نوشته استاد عوض خان که شاید حاوی بحث در مورد زبانهای منجانی و سنگلیچی بوده، مفقود گردیده اند. همچنان، برگه ذکر منابع و مأخذ هم مفقود گردیده است. در اینجا، منابع مورد استفاده مؤلف که در پاورقی ها ذکر گردیده اند، در اینجا نوشته می شوند

---

۲۵. زبان سریقولی از جمله لهجه های گروه زبانهای شغنی – روشانی است. خانم ساکال اوه، لهجه های گروه شغنانی را (۷) لهجه شمرده و آنرا نظر به نزدیکی که با یک دیگر دارند، در چهار گروه آنها را دسته بندی کرده است:

دسته اول: سریقولی

دسته دوم: آروشوری و برتنگی

دسته سوم: روشانی و خوفی

دسته چهارم: بَجُوبی و شغنانی

ایشان ادعا دارند که لهجه سریقولی به لهجه روشانی نسبت به سایر لهجه ها نزدیکتر است. (پاملا، تزیس دوکتورا، ص. ۲۰۴). ویراستار (ثابتی).

### منابع و مأخذ مؤلف:

پاخالینه، ت. ن. "زبان های پامیری"، چاپ مسکو سال ۱۹۶۹، ترجمه به دری توسط ماه گل سلیمان دوست، چاپ و نشر اکادمی علوم افغانستان، سال ۱۳۶۴، صص. الف، ۴-۶، ۸۲-۸۳.

پیکار، نصرالدین، مقاله ای تحت عنوان "گروه زبان های واخی و اشکاشمی"، سال ۱۳۷۰، ص. ۴، برگرفته از کتاب "زبان اشکاشمی" اثر پاخالینه، ت. ن.، ص. ۵.

### منابع و مأخذ ویراستار:

پیکار، نصرالدین شاه، زبان ها و لهجه های شرقی ایرانی در قلمرو افغانستان، تزیس دوکتورا، شهر دوشنبه، تاجیکستان، ۲۰۰۹، ص. ۴۹. موجود در سایت انترنتی:

<http://www.shughnan.com>

کهزاد، احمد علی، تاریخ ادبیات افغانستان: از قدیمی ترین زمانه تا ظهور دین اسلام، ریاست دار التالیف، وزارت معارف، ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰. صص. ۸-۹.

نجیب الله امین افغان، محمد رفیق مهمند، و محمد رازق بهیر، جغرافیه صنف ۱۲، کابل، ۱۳۹۰، ص. ۴۹.

Arlund, S. Pamela, An Acoustic, "*Historical, and Developmental Analysis of Sarikoli Diphthongs*", PhD Thesis, ۲۰۰۶.

Lewis, M. Paul (ed.), ۲۰۰۹. "*Ethnologue: Languages of the World*", Sixteenth edition, Dallas, Tex.: SIL International. Online version: <http://www.ethnologue.com/>.

Wikipedia, Free Online Encyclopedia [Online], Available from: [www.wikipedia.com](http://www.wikipedia.com)



نوروز علی «ثابتی»، ویراستار



عوض خان «پیمان»، نویسنده